



اولین سخنرانے در مقام رئیس جمهور

توماس جفرسون



اولین سخنرانی در مقام رئیس جمهور



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزش‌شکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

اولین سخنرانی در مقام رئیس جمهور

First Inaugural Address

نویسنده: توماس جفرسون (Thomas Jefferson)

مترجم: آموزش‌شکده توانا (آموزش‌شکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نقاشی روی جلد: Portrait of Thomas Jefferson in 1786

by Mather Brown

© E-Collaborative for Civic Education 2018

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

توماس جفرسون

اولین سخنرانی در مقام رئیس جمهور

مقدمه

انتخاب توماس جفرسون^۱ به مقام ریاست جمهوری «انقلاب ۱۸۰۰» خوانده شده است. این اولین بار بود که قدرت به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و از طریق انتخابات همگانی از حزبی به حزب دیگر منتقل شد. اغلب فدرالیست‌ها از راه یافتن جفرسون به کاخ سفید سخت به وحشت افتاده بودند؛ زیرا او را دیوانه‌ای می‌پنداشتند که می‌توانست در آمریکا یک «حکومت وحشت»^۲، همانند آنچه چند سال پیش از آن در فرانسه برپا شده بود، برقرار کند. به همین دلیل جفرسون در اولین نطقی که به عنوان رئیس جمهور ایراد کرد تاکید کرد که با وجود آن که اراده اکثریت

۱- Thomas Jefferson (۱۷۴۳ - ۱۸۲۶) مولف اعلامیه استقلال آمریکا و سومین رئیس جمهور این کشور، از بینان‌گذاران ایالات متحده آمریکا بود. او طی جنگ‌های استقلال طلبانه آمریکا (۱۷۷۵ - ۱۷۸۳) عضو مجمع قانون‌گذاری ایالت ویرجینیا، عضو کنگره قاره‌ای و فرماندار ویرجینیا بود. جفرسون بعدها نماینده سیاسی آمریکا در فرانسه و سپس وزیر امور خارجه آمریکا و معاون جان آدامز، رئیس جمهور (۱۷۳۵ - ۱۸۲۶)، شد. جفرسون در سال ۱۸۰۰ میلادی به سمت ریاست جمهوری برگزیده شد و دو دوره (۱۸۰۱ - ۱۸۰۹) در این سمت باقی ماند.

در همه موارد غالب است، اقلیت نیز از حقوق یکسان برخوردارند و قانون به شیوه‌ای یکسان حافظ حقوق آن‌ها ست. او میان اختلاف نظر در دیدگاه‌های سیاسی و در اصول، تمایز قائل شد و اظهار داشت که فدرالیست‌ها و جمهوری‌خواهان هر دو به اصول جمهوری پایبندند. به باور او آنچه آن‌ها را متمایز می‌کرد نگرشی بود که هر یک به بهترین شیوه برای حفظ این اصول داشتند. او از کسانی که تردید داشتند انسان قادر به اداره امور خود باشد پرسید: اگر این‌طور باشد پس چطور این کار را به پادشاهان، که آن‌ها هم فرشته نیستند، محول کرده‌اند؟ جفرسون سپس به تحلیل «مبادی باورهای سیاسی» آمریکا به عنوان سرزمینی پرداخت که به گفته او «چشم امید جهان» به آن دوخته شده بود.

... طی مبارزات انتخاباتی که پشت سر گذاشتیم و در تقابل اندیشه‌هایی که صورت گرفت، التهاب بحث‌ها و فعالیت‌ها گهگاه برای خارجی‌هایی که عادت به آزاداندیشیدن و گفتن و نوشتن افکارشان ندارند سنگین می‌نمود. اما اکنون که ملت با اتکا به قانون اساسی نظر خود را اعلام کرده است بی‌تردید همگی به اراده قانون تسلیم می‌شوند و به اتفاق و یکپارچه برای مصلحت عموم کوشش خواهند کرد. همگان این اصل مقدس را به خاطر خواهند داشت که با این‌که نظر اکثریت همیشه غالب است، این نظر فقط در صورتی مشروع خواهد بود که منطقی باشد؛ به خاطر خواهند داشت که اقلیت در مقابل قانون با اکثریت متساوی‌الحقوق‌اند و قوانین ملزم به دفاع از حقوق عموم اهالی کشورند؛ و به خاطر خواهند داشت که تخطی از این اصول مایه اختناق خواهد شد.

هموطنان! بیایید تا از صمیم قلب و با تمام وجود با یکدیگر متحد شویم، بیایید تا با دیگر هنجارها و مهر را به مناسبات اجتماعی خود بازگردانیم؛ چرا که آزادی - حتی حیات - در نبود هنجارها و عظوفت، پدیده‌هایی انده‌بار خواهند بود. از شما دعوت می‌کنم قدری در این واقعیت تأمل کنید که اگر ما - که موفق شدیم تعصب مذهبی را، که سال‌ها موجد خونریزی و محنت برای بشریت بوده است، از سرزمین خود طرد کنیم - چنانچه تعصب سیاسی را - که مایه استبداد و موجد شرارت، ناکامی، آزار و خونریزی است - تحمل یا تشویق کنیم دستاورد مهمی کسب نکرده‌ایم ...

... اختلاف نظر به معنی اختلاف بر سر اصول نیست. ما کسانی را که در اصول مشترک اتفاق نظر دارند، با برچسب‌های مختلف نام‌گذاری کرده‌ایم. ما همه جمهوری‌خواه، همه فدرالیست هستیم. اگر در میان ما کسانی باشند که آرزویشان منحل کردن این اتحاد [میان ایالات] یا تغییر شکل این جمهوری باشد، آن‌ها را به حال خود بگذارید تا نمادی از مدارا و تحمل ما نسبت به کسانی باشند که در عقایدشان به خطا رفته‌اند و مقابله با افکار آن‌ها را به خرد عمومی واگذار کنید. من به خوبی آگاهم که در میان ما نیک‌مردانی هستند که بیم دارند یک دولت جمهوری‌خواه نتواند قوی باشد؛ آن‌ها نگرانند که دولت فعلی به قدر کفایت قدرت ندارد. اما آیا هیچ میهن‌پرست نیک‌سرشتی، سوار بر موج یک تجربه موفقیت‌آمیز، دولتی را که تا کنون آزادی و استواری ما را تامین کرده است صرفاً به دلیل یک ترس نظری و خیالی - با این توهم که این دولت که «چشم امید جهان» به آن است ممکن است به اندازه کافی نیرو نداشته باشد تا خود را حفظ کند - رها خواهد کرد؟ من تردید دارم. به باور من این دولت قوی‌ترین دولت در جهان است. این تنها دولتی است که در آن عموم اهالی دعوت قانون را اجابت کرده‌اند و مطابق آنچه در قانون مقرر شده عمل می‌کنند و هر گاه نظم عمومی مختل شود شخصاً خود را علاقه‌مند به موضوع می‌دانند. گاه گفته می‌شود که انسان قادر به اداره امور خودش نیست. در این صورت آیا می‌توان باور داشت که دیگران قادر به اداره امور انسان باشند؟ آیا پادشاهان از جنس فرشتگان‌اند؟ پاسخ به این پرسش با تاریخ خواهد بود ...

هم‌وطنانم! لازم می‌دانم اصولی را که به زعم من برای دولت ما اساسی است و باید در شکل دادن به دستگاه مدیریت مد نظر قرار داد، با شما در میان بگذارم. کوشش می‌کنم تا حد ممکن به طور موجز این اصول را برشمرم و به ذکر اصل کلی بسنده کنم. برای اختصار کلام از جزئیات محدودیت‌های تک‌تک آن‌ها می‌گذرم. این‌ها عبارتند از: عدالت که لازمه آن حقوق برابر و اجرای صحیح قانون برای عموم اهالی از هر ایالت و پیرو هر اعتقاد، مذهب یا گرایش سیاسی است؛ صلح، تجارت و مودت صمیمانه با همه ملت‌ها بدون آن‌که خود را با هیچ ملتی درگیر تعهد اسارت‌آمیزی کنیم؛ حمایت از دولت‌های ایالتی که صالح‌ترین نهادها برای اداره امور داخلی و موثرترین مانع و عایق در مقابل گرایش‌های ضدجمهوری هستند، با همه اختیاراتی که به این دولت‌ها اعطا شده است؛ صیانت از دولت مرکزی که سنگ‌زیربنای آرامش در داخل و امنیت در خارج از کشور است، با همه حقوقی که به موجب قانون اساسی به آن واگذار شده است؛ مراقبت هوشیارانه از حقوق مردم در امر انتخابات و اصلاح موارد سوءاستفاده

به شیوه‌ای آرام و مطمئن، و چنانچه چاره این اصلاحات به شیوه‌های مسالمت‌جویانه میسر نباشد با توسل به شمشیر انقلاب؛ تسلیم بی‌قید و شرط به تصمیم اکثریت که یکی از اصول اساسی و بازگشت‌ناپذیر در حکومت‌های جمهوری است و تحت هیچ شرایطی بازگشت‌پذیر نیست، مگر با توسل به زور که عنصر اصلی و منشاء بلاواسطه استبداد است؛ یک نیروی شبه‌نظامی منظم که در زمان صلح و در ساعات اولیه جنگ و تا زمانی که ارتش عادی جایگزین آن شود بهترین پشتیبان ما خواهد بود؛ تفوق قدرت مدنی بر قدرت نظامی؛ صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی که ممکن است بار آن قدری بر نیروی کار تحمیل شود؛ بازپرداخت وام‌ها مطابق تعهدات و ادامه حفظ اعتماد عموم؛ حمایت از کشاورزی و تجارت که وابسته به کشاورزی است؛ اشاعه دانسته‌ها و پیگیری تمام موارد سوءاستفاده در محاکم مردمی؛ آزادی مذهب؛ آزادی مطبوعات؛ آزادی افراد و تضمین حق قرار احضار زندانی^۲؛ و بالاخره حق محاکمه در حضور هیئت منصفه‌ای که بی‌طرفانه انتخاب شده باشد. این اصول منظومه‌ای نورانی را تشکیل می‌دهد که قبل از ما به وجود آمده است و راهنمای ما در عصر انقلاب و اصلاحات شده است. بزرگان و قهرمانان ما با ایثار خرد و خون خود رسیدن ما به این اصول را میسر کردند. این اصول باید مبادی اعتقادات سیاسی ما، رهنمود مدنی و سنگ محکی باشند که ما را در ارزیابی خدمات کسانی که به آن‌ها اعتماد کرده‌ایم یاری دهند. چنانچه بر اثر خطا یا خطر، از این اصول منحرف شدیم، با شتاب از خطای خود باز می‌گردیم تا در مسیری که به صلح، آزادی و امنیت منتهی می‌شود به راه خود ادامه دهیم.

۲- قرار احضار زندانی (Habeas Corpus) به زندانی فرصت می‌دهد از علت توقیف مطلع شود و در صورتی که توقیف قانونی نباشد به آن اعتراض کند. این قاعده عملاً حق کنترل قضائی بازداشت و بررسی مشروعیت آن است. Habeas Corpus برای اولین بار در قرن هفدهم میلادی در انگلستان به اجرا گذاشته شد، ولی بعدها ضابطه کار قوه قضائیه در بسیاری از کشورها شد. به طور خلاصه این اصل چنین مقرر می‌دارد: «احدی را نمی‌توان توقیف کرد، مگر به حکم دادگاه.»

